

سیروس پرهام

صنیع الملک، زندگی ای پربار و مرگی خاموش

ابوالحسن غفاری کاشانی، ملقب به صنیع الملک، (۱۲۲۹-۱۲۸۳ق)، از حیث تعدد و تنوع آثار نقاشی، مشتمل بر بیش از یکهزار و پانصد اثر آبرنگ و رنگ روغنی و سیاه‌قلم، و از جهت چیره‌دستی در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی روان‌شناختی، همراه با هزل و طنز، نه همان پربارترین، که یکی از بزرگ‌ترین نگارگران تاریخ نقاشی ایران است. در وصف صنیع الملک، همین بس که کتاب *هزارویک شب* (در کتابخانه کاخ گلستان)، که به خط استاد محمدحسین تهرانی است و او مصورش ساخته، از نوادر و عجایب یگانه کتاب‌آرایی در جهان است. این شاهکار بی‌مانند، که در شش مجلد به قطع رحلی بزرگ (۳۰×۴۵ سانتی‌متر) است، در برابر هر صفحه دست‌نویس یک صفحه نقاشی آبرنگ شبه‌مینیاتور ۳۲ × ۱۸ سانتی‌متری، مشتمل بر سه تا شش مجلس، دارد (بالغ بر ۱۱۳۴ صفحه نقاشی از صنیع الملک).^۱

اساس نگارگری صنیع الملک واقع‌نگری و واقع‌نمایی است — شیوه‌ای که در چهره‌نگاریهای او به کمال می‌رسد و، علاوه بر واقعیت ظاهری و جسمانی، واقعیت باطنی و نهفته اشخاص را در چهره آنان نمایان می‌سازد؛ اما هر جا که می‌خواهد ماجراها و رویدادها و آدمهای نادیده را مصور سازد، از قوه خیال و تخیل

(۱) چاپ کتابی بدین حجم و با این تعداد تصویر رنگی، آن‌هم با رنگهایی با این مایه درخشندگی گوهرین، خود از عجایب معجزه‌آسای دنیای نشر خواهد بود و شاید یکی از علل به چاپ نرسیدن این شاهکار یکتا، همین سنگینی کار و هزینه‌های گزاف چاپ باشد. نمونه‌های چاپ رنگی این تصاویر شگرف را در این کتابها می‌توان یافت:

— ذکاء، *زندگی و آثار استاد صنیع الملک*.
 — سمسار و دیگران، *کاخ گلستان (گنجینه کتب و نفائس خطی)*.
 — آتابای، *فهرست دیوانهای خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزارویک شب*، ج ۲. (بیشترین نمونه‌ها، به تعداد ۷۸ لوح رنگی، در این کتاب به چاپ رسیده است).

- N. Pourjavadi &
The Splendour of Iran, vol.3.
 - R. Hillenbrand (ed.),
Persian Painting from the Mongols to the Qajars.

تصویر ۱ (راست):
 میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان،
 وزیر آذربایجان.
 مأخذ تصویر:
 یحیی ذکا، زندگی و آثار استاد
 صنیع‌الملک.

تصویر ۲ (چپ):
 شاهزاده ملک‌آرا، حکمران
 مازندران و استرآباد،
 مأخذ تصویر: همان.



تصویری شگفت‌آوری مدد می‌گیرد و حوادث و رویدادهای نادیده را در برابر چشم بیننده اثر زنده و مجسم می‌کند. این تخیل تصویری کم‌نظیر، گذشته از نقاشیهای رنگی هزار و یک شب، در وقایع‌نگاریهای مصور او در روزنامه دولت علیّه ایران برجسته و نمایان است.

به لحاظ آنکه چاپ رنگی در نشریه خیال در امکان نمی‌آید، در مصور کردن این نوشته، تنها نمونه‌هایی از آثار سیاه‌قلم و لیتوگرافی او را در روزنامه دولت علیّه ایران به کار می‌آوریم، که علاوه بر «پرتره»ها و تک‌چهره‌ها (تصاویر ۱ و ۲ و ۳) برخی رویدادهای مهم را به شیوه «عکاسی - نقاشی» جلوه‌گر ساخته است (تصاویر ۴ و ۵ و ۶)؛ و این همان لیتوگرافیهای «حوادث» است که در آنها، نقاش و طراح جانشین خبرنگار عکاس می‌شود، در زمانی که عکس‌برداری از وقایع و چاپ آنها در مطبوعات ممکن نمی‌شد - رویدادنگاریها یا «عکس‌نگاره‌هایی» که به گفته یکی از صاحب‌نظران هنر عصر قاجار «پاداآور [آنره] دُمپیه^۲، از نظر ذوق کاریکاتورپردازی روان‌شناختی، و [فرانسیسکو] گویا^۳ به لحاظ قدرت توصیف و جاذبه‌های نمایشی است.»^۴

چگونه است که چنین هنرمند اعجوبه‌ای آن‌گاه که چشم بر جهان بست هیچ‌کس، جز خویشان و شاگردان، در عزای او به سوگ نشست و حتی خبر درگذشت او در روزنامه‌ای که خود سه سال

2) Honoré Daumier (1808-1879)
 نقاش، کاریکاتورساز، چاپگر و پیکره‌ساز فرانسوی. به سبب تیزبینی و حساسیت انسانی و صراحت در ترسیم زندگی اجتماعی، از برجسته‌ترین هنرمندان واقع‌گرای سده نوزدهم به شمار می‌آید. - دایره‌المعارف هنر، ذیل دمپیه. - و.

3) Francisco Goya (1746-1828)

۴) ذکا، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک، ص ۶۵. به نقل از: L.S., Diba, "The Qajar Court Painter Yahya Ghaffari".

تمام آن را اداره می‌کرد و همه تصاویر لیتوگرافی آن را به دست خود می‌کشید نوشته نشد و هیچ تاریخ‌نگار یا نویسنده‌ای به آن اشاره نکرد، مگر فرهاد میرزا معتمدالدوله، که ماده تاریخ مرگ او را به طعنه زهرآگین («نقاش‌باشی چرسی برده» — ۱۲۸۳ق) در کتاب زنبیل خود جای داد؟



تصویر ۳: محمد-رحیم‌خان علاءالدوله فرستاده مخصوص به دربار عثمانی. مأخذ تصویر: یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک.

(۵) «چون پس از مرگ او هیچ یادی از او در روزنامه دولتی و نه در نوشته‌های دیگر به میان نیامده و تأسف و تاملی از فقدان او اظهار نگردیده و مسئله به سکوت برگزار گردیده است، این بدگمانی پدید می‌آید که آیا مورد غضب شاه یا اعتضادالسلطنه قرار گرفته بوده که از پیشامد درگذشت او اظهار تأسفی نشده و علت مرگ چنین استاد چیره‌دستی در پشت پرده ابهام قرار گرفته و زمان و تاریخ صحیح درگذشتش در هیچ مأخذی، جز ماده تاریخ فرهاد میرزا، ثبت و ضبط نشده است؟» — ذکاء، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک، ص ۵۳.

(۶) صنیع‌الملک دلبستگی خود را به امیرکبیر رندانه و زیرکانه و به شیوه‌ای نمادی و کنایی در یکی از نقاشیهای جلد اول نسخه خطی هزار و یک شب نشان می‌دهد: آنجا که جعفر برمکی را به شکل و شمایل امیرکبیر روبه‌روی ناصرالدین شاه می‌آورد که جانشین هارون‌الرشید شده که او نیز وزیر اعظم خود را کشت. نک: یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک، تصویر ص ۱۴۰؛ محمد-حسن سمسار و دیگران، کاخ گلستان (کنجینه کتب و نفائس خطی)، تصویر ۱۵۳، ص ۲۲۸.

چنین پیداست که هنرمند بزرگ در اواخر عمر پنجاه‌ودو ساله خود به سببی نامعلوم مورد بی‌مهری شاه‌زاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، واقع شده — کسی که بر چهار روزنامه و نشریه دولتی نظارت تمام داشت و صنیع‌الملک به حکم ناصرالدین‌شاه «نایب» او بود. استاد روان‌شاد یحیی ذکاء، دور نمی‌دانند که پادشاه قاجار از نقاش‌باشی خود رنجیده‌خاطر شده باشد؛^۵ اما از آنجا که هیچ دلیلی بر آن نیست، خشم گرفتن اعتضادالسلطنه نزدیک‌تر می‌نماید، که هم رئیس مستقیم صنیع‌الملک بود و هم دشمن امیر کبیر و حامی میرزا آقاخان نوری. در آن دوران خودکامگی مطلق، همین خشم یا حتی اندک رنجش خاطر این شاه‌زاده فاضل و مقتدر برای نادیده گرفتن مرگ صنیع‌الملک بسنده بود و کسی جرئت نداشت از او یاد کند، چه رسد به بزرگداشت و تجلیل و تکریم او.

سبب هر چه بود و مسبب هر که بود، صنیع‌الملک چند سال پایانی خود را با دل‌شکستگی و افسردگی سپری کرد و مرگ زودهنگام و سکنه قلبی او از همین بود. تک‌چهره‌ای که پسرش، یحیی‌خان، از او در حدود پنجاه‌سالگی آبرنگ‌پرداز کرده (تصویر شماره ۷) این افسردگی و دل‌مردگی را به وضوح نشان می‌دهد، با همان مهارتی که پدر و استادش حالات درونی صورتها را در چشمهایشان بازتاب می‌داد.

خیال ۹

په‌سار ۱۳۸۳ فصلنامه فرهنگستان هنر

۹۹

تصویر ۴: قصاص معلم سرخانه
به دست عموی پسر چچه مقتول
مأخذ تصویر: یحیی ذکاء،
زندگی و آثار استاد صنایع‌الملک.



مرگ بی‌صدای هنرمند بزرگ چندین سال بر دوام ماند و تا سالها پس از درگذشتش کسی از او یاد نکرد. بار دیگر نشان داده شد که، به سخن عنصرالمعالی، «سرشت روزگار» همواره بر آن بوده است که تابناک‌ترین چهره‌ها را در تاریکی فراموشی پوشیده دارد. اول کسی که غیرت آورد و «توطئه سکوت» را شکست یکی از شاگردانش، میرزا عباس نقاش، بود که در سال ۱۲۹۹ق، شانزده سال پس از مرگ استاد، ماجرای مرگ و محل به خاک سپردن او را بازگو کرد و بلندی جایگاه او را در میان نقاشان عصر نشان داد: استاد الاساتید، وحید دوران، استاد میرزا ابوالحسن‌خان صنایع‌الملک، مرحوم نقاش‌باشی غفاری کاشانی... نقاشی را به اعلا درجه کمال رسانید و در علم باسمه و تصویر نیز کمال مهارت را داشت... و الحق تاکنون چنین نقاش قادر ماهر [در] شبیه‌سازی و طراحی در روزگار الی الآن نیامده است.

... موضع و محل دفن مرحوم مذکور مسطور متن، صنایع‌الملک نقاش‌باشی، طاب الله ثراه، به جهت ارباب این حرفت، که بعد از ما



تصویر ۵: مرگ درویشی که به دروغ سوگند یاد کرد. مأخذ تصویر: یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک.

بیابند که به فاتحه روح آن مرحوم را بخواهند از خود شاد کنند، در سر قبر آقای امام جمعه، در بالای ایوان رو به خیابان حضرت عبدالعظیم، در یک ترک از هشتی متصل به عمارت است.^۷ اینک این بزرگداشت مکتوب یک سالی پس از مرگ اعتضادالسلطنه (۱۲۹۸ق) تحقق می‌یابد دلیلی دیگر است بر رنجیدگی خاطر اعتضادالسلطنه و اینکه هم او می‌خواسته که از صنیع‌الملک یاد نشود. تا پایان دوره قاجاریان و اواخر پهلوی اول، صنیع‌الملک همچنان از فراموش‌شدگان است. گویا اول بار خانم یدادگدار، موزه‌دار موزه ایران باستان و همسر آندره گدار، باستان‌شناس مشهور فرانسوی که در خدمت دولت ایران بود، پرده گم‌نامی و فراموشی را از این چهره تابناک برمی‌دارد. وی در مقاله‌ای که در سال ۱۹۳۸ در کتاب سیری در هنر ایران پرفسور پوپ^۸ نوشت، به بلندی جایگاه ابوالحسن غفاری در نقاشی عصر قاجار پرداخت و دو صفحه از مقاله سه‌صفحه‌ای خود را به او و آثارش اختصاص داد.^۹ تا جایی که می‌دانیم، نخستین هنرشناس ایرانی که در آثار صنیع‌الملک دقیق شد، شادروان دکتر مهدی بهرامی است که در سال ۱۳۲۰ش، اهمیت

۷) ذکاء، زندگی و آثار صنیع‌الملک، ص ۴-۵۳.

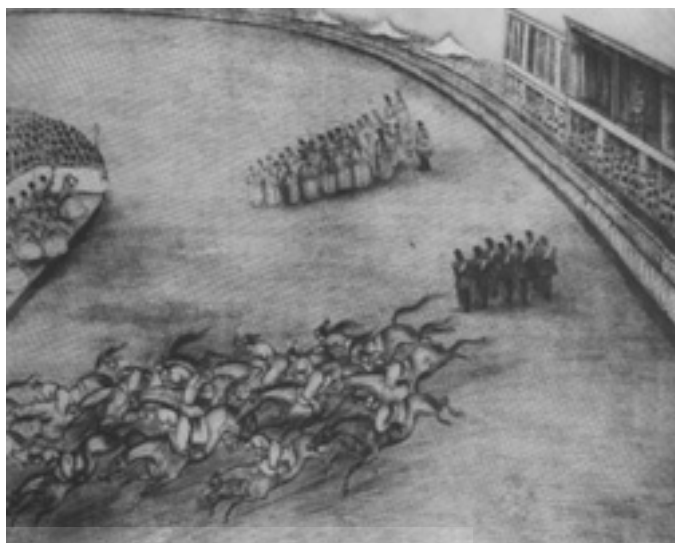
8) Yedda A. Godard

9) Andre Godard

10) Arthur Upham Pope (1881-1969)

11) Y. A. Godard, "Book Painting: A Historical Survey".

تصویر ۶: ناصرالدین شاه در میدان اسب‌دوانی.
 مأخذ تصویر: یحیی ذکاء،
 زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک.



دستاوردهای این هنرمند را در عرصه شبیه‌سازی نشان داد.^{۱۲} خان‌ملك ساسانی نیز اول کسی است که ابوالحسن غفاری را «بزرگ‌ترین نقاش عصر قاجار» خواند.^{۱۳} در همان اوان، سیدمحمدتقی مصطفوی در بخشی از مقاله‌ای از صنیع‌الملک و آثار او یاد کرد.^{۱۴}

تا سال ۱۳۳۹ش، که مصطفوی در مقاله‌ای دیگر و به تفصیل بیشتر به این برجسته‌ترین هنرمند دودمان غفاری کاشانی می‌پردازد،^{۱۵} به مدت دوازده سال، هیچ‌یک از نویسندگان و هنرپژوهان را با صنیع‌الملک کاری نیست. چنین می‌نماید که «سرشت روزگار» بار دیگر، اما به گونه‌ای دیگر، رخ نموده باشد. زمانه دیگرگون شده است: دوران نهضت ملی دکتر مصدق و اوج‌گیری مبارزات سیاسی و جنبشهای روشن‌فکرانه است و سپس دوره خفقان پس از ۱۳۳۲ش. هنرمندان درباری عصر استبداد ناصرالدین‌شاهی را کسی مجال طرح نمی‌دهد، آن‌هم هنرمندی که هفت سال از عمر خود را وقف تصویرپردازی قصه‌های «عوام‌پسند» هزارویک شب کرده بود. این نیز هست که خاطره عزت نفس و

(۱۲) بهرامی، «شبیه‌سازی در فن نقاشی»، ش ۹ و ۱۰.

(۱۳) خان‌ملك ساسانی، «بزرگ‌ترین نقاش عصر قاجار»، س ۱، ش ۲.

(۱۴) مصطفوی، «نمایشگاه آثار ایران در پاریس»، س ۱، ش ۶.

(۱۵) مصطفوی، «چند نسل هنرمند در یک دودمان چندصدساله کاشان»، ش ۷.

گردن‌فرازی کمال‌الملک در اذهان زنده بود و نقاش‌باشی دربار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه در برابر قامت بلند برادرزاده‌ای که پس از ناصرالدین‌شاه پشت پا به همه پادشاهان (از مظفرالدین‌شاه تا رضاشاه) زده بود، جلوهای نتوانست داشت.

با به پایان آمدن دوره «فترت» صنایع‌الملک‌شناسی (با مقاله ۱۳۳۹ ش مصطفوی)، توجه به آثار این هنرمند قدرناشناخته شتاب می‌گیرد. احمد سهیلی



خوانساری با تدوین مقاله مستقل و مفصل «صنایع‌الملک» در کتاب کارنامه بزرگان ایران جایی در خور به ابوالحسن غفاری می‌دهد.^{۱۶} يك سال بعد، استاد یحیی ذکاء با دو مقاله مصور و مفصل، که در مجله هنر و مردم به چاپ می‌رساند،^{۱۷} پژوهش تحلیلی وجوه گوناگون آثار صنایع‌الملک را آغاز می‌کند. با این دو مقاله، پایه‌های صنایع‌الملک‌شناسی بر اساسی درست و روشمند استوار می‌گردد و هنرشناسان مغرب‌زمین از اهمیت ابوالحسن غفاری و گستردگی شگفتی‌آور کارهای او آگاه می‌شوند. تا بدانجا که پیش‌کسوت هنرشناسان هنر عصر قاجار، بازیل رابینسون^{۱۸}، خود را «به غایت مدیون» استاد ذکاء دانست و اذعان آورد که او «بزرگ‌ترین مرجع ما در هنرهای دوران قاجار» است.^{۱۹}

همین دو مقاله بود که نزدیک به چهار دهه کار برد تا تکامل پذیرفت و قوام یافت و کتابی شد که، افسوس، پس از مرگ استاد ذکاء به چاپ رسید — کتابی که نویسنده‌اش به یقین جان بر سر آن نهاد.^{۲۰}

تصویر ۷: تک‌چهره صنایع‌الملک در حدود پنجاه‌سالگی که پسرش، یحیی‌خان، از او آبرنگ‌پرداز کرده است. مأخذ تصویر: یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنایع‌الملک.

(۱۶) سهیلی خوانساری، «صنایع‌الملک»، ج ۱.

(۱۷) ذکاء، هنر و مردم، ش ۱۰ و ۱۱.

(18) Basil W. Robinson, (1926-)

(۱۹) ذکاء، زندگی و آثار استاد صنایع‌الملک، ص ۱۱: به نقل از: B. W. Robinson, "Persian Painting in the Qajar Period," *Highlights of Persian Art*, eds. R. Ettinghausen, E. Yarshater. نک: ترجمه فارسی همین کتاب، *اوجهای درخشان هنر ایران*، ص ۳۵۹-۳۶۰.

(۲۰) در سال ۱۳۷۹، که بیماری استاد ذکاء شدت گرفت، همسر و فرزندانش، که مقیم امریکا بودند، چندین بار از او خواستند که برای معالجه به آنجا رود. هر بار پاسخ استاد جز این نبود: «پس از آنکه کتاب صنایع‌الملک را تمام کنم!»

منابع:

- آتابای، بدری. فهرست دیوانهای خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزارویک شب، تهران، ۲۵۳۵، ج ۲.
- بهرامی، مهدی. «شبه‌سازی در فن نقاشی»، ایران امروز، (۱۳۲۰)، ش ۹ و ۱۰.
- ذکاء، یحیی. زندگی و آثار استاد صنایع‌الملک، ویرایش و تدوین سیروس پرهام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- رابینسون، بی. دبلیو. اوجهای درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی و روین پاکباز، تهران، آگه، ۱۳۷۹.
- ساسانی، خان‌ملک. «بزرگ‌ترین نقاش عصر قاجار»، اطلاعات ماهانه (۱۳۲۷)، س ۱، ش ۲.
- سمسار، محمدحسن و احمد سهیلی خوانساری. «صنایع‌الملک»، کارنامه بزرگان ایران، تهران، اداره کل انتشارات رادیو، ۱۳۴۰، ج ۱.
- سمسار، محمدحسن و سعید محمودی ازناوه. کاخ گلستان — گنجینه کتب و نقاشی خطی، تهران، زرین و سیمین، ۱۳۷۹.
- مصطفوی، سیدمحمدتقی. «نمایشگاه آثار ایران در پاریس»، اطلاعات ماهانه، (۱۳۲۷)، س ۱، ش ۶.
- —. «چند نسل هنرمند در یک دودمان چندصدساله کاشان»، نقش و نگار، (۱۳۳۹)، ش ۷.
- Diba, L. S. "The Qajar Court Painter Yahya Ghaffari", R. Hillenbrand (ed.), *Persian Painting from the Mongols to the Qajars*, (London/ New York, 2000).
- Godard, Yedda A. "Book Painting: A Historical Survey", A.U. Pope and Ph. Ackerman (ed.), *A Survey of Persian Art*, vol. V, (Tokyo, New York, Tehran, 1971).
- Pourjavadi, N., C. Parham, Sh. Shahbazi, (eds). *The Splendour of Iran*, (London, Booth-Clibborn Editions, 2001).
- Robinson, B. W. "Persian Painting in the Qajar Period", R. Ettinghausen and E. Yarshater (eds.), *Highlights of Persian Art*, (Boulder, Colorado, 1979).